

۲۰۵۶ ۸۲۱

www.ketab.ir

پیاده روی؛
میکروت، در زمانه‌ی دیاهو

ارلینگ کاگه

شادی نیک رفعت

ع
زوجه‌های نیک
نشرگان

سرشناسه کاکه، ارلینگ، ۱۹۶۳ - م . Kagge, Erling, - 1963
 عنوان و نام پدیدآور: پیادهروی و سکوت؛ در زمانی هیاو/ نوشته‌ی ارلینگ کاکه؛
 ترجمه‌ی شادی نیک‌رفت؛ ویرایش، تحریریه‌ی نشر گمان.
 مشخصات نشر: تهران: نشر گمان، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۹-۵۹-۴
 عنوان دیگر: در ستایش پیادهروی.
 موضوع: کاکه، ارلینگ، ۱۹۶۳ - م.
 موضوع: Kagge, Erling, - 1963
 موضوع: پیادهروی
 Walking
 موضوع: کاشفان جغرافیایی -- روز -- سرگذشت‌نامه
 Explorers -- Norway -- Biography
 موضوع: تأملات
 Meditations
 موضوع: شناسه افزوده: نیک‌رفت، شادی، ۱۳۶۱ -، مترجم
 رده بندی کنگره: GV ۱۹۹/۵
 رده بندی دیویی: ۵۱/۷۹۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۷۸۴۱۲

پیاده روی؛ میکروت، در زمانه‌ی هیاهو

ارلینگ کاکه

مجموعه‌ی خرد و حکمت زندگی

ترجمه | شادی نیک‌رفت

ویرایش | میلاد کامیابیان

بازبینی نهایی | م. ب. حاجیانی

طرح روی جلد | سانول استاین برگ

حروفنگاری و صفحه‌آرایی | آتلیه‌ی نشر گمان

طراح جلد | محمود سلطانی

نظارت فنی و چاپ | آسمان نام‌تراپی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی | ولفگارد آلمن

شابک | ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۹-۵۹-۴

چاپ نخست | ۱۳۹۹ | چاپ هجدهم | ۱۴۰۱

شمارگان | ۱۰۰۰ جلد

قیمت | ۹۰۰۰۰ تومان

آدرس | خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه‌ی سوم، شماره ۲۷

تلفن | ۸۸۸۱۳۸۹۶

سایت | www.gomanbook.com

ایمیل | goman.publication@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن و استفاده از طرح روی جلد

به هر شیوه از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی

و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

خروجی
نشر گمان

فهرست

۷	یادداشت مجموعه
۱۱	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	سکوت؛ در زمانه‌ی هیاو
۱۰۵	یادداشت‌ها
۱۰۷	پیاده‌روی
۲۱۵	یادداشت‌ها
۲۱۷	پی‌نوشت‌ها

یادداشتِ مجموعه

کتاب‌های این مجموعه فلسفه را ساده نمی‌کنند بلکه از ابهتِ هراس‌آورِ فلسفه می‌کاهند. پیشنهادهایی هستند برای «تفکر»، دعوت به اندیشیدن در زندگی روزمره و تأمل در مسائلی که هرروزه با آن مواجهیم، اندیشیدن به غایت و معنای زیستن، لذات دنیا، تنهایی، عشق، دوستی و غیره. می‌خواهیم کتاب‌ها نقطه‌ی عزیمتی باشند برای فکر کردن به پرسش‌های ازلی ابدی انسانی و همچنین تعمق در خوشی‌ها و مصائبِ انسانی که در این گوشه‌ی جهان و در این جای تاریخ پدیدار شده است.

بازجُستنِ معنای زندگی و اندیشیدن پیرامونِ چگونه‌زیستنِ قدمتی کهن دارد. ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد اولین چیزی که پارسیان به فرزند می‌آموختند هنر زندگی بود. بگذارید از «باب برزویه‌ی طیب» در کلیله و دمنه نقل کنیم که، هزاروپانصد سال پیش، بعدِ تکاپوهای فراوان نوشت: «نعمت‌های این جهانی چون روشناییِ برق بی دوام و ثبات است» و «بباید شناخت که اطرافِ عالم پُر بَلا و عذاب است» و «کارهای زمانه میل به ادبار دارد، و عدل ناپیدا و جور ظاهر، و علم متروک و جهل مطلوب.»

داستان این است که برزویه‌ی طبیب، سرآمدِ طبیبان ایران، پس از سال‌ها طبابت و ترجیحِ ثوابِ آخرت بر کسبِ ثروت و شهرت، می‌شنود که در کوه‌های هند گیاهانی‌ست که چون با نسبتی دقیق و رازآمیز به هم بیامیزند اکسیرِ حیات حاصل شود، پس در سودای این اکسیر از انوشیروان رخصت می‌خواهد و راهی هند می‌شود. در آنجا هرچه می‌کوشد پنهانی از راز اکسیر سر در بیاورد موفق نمی‌شود. تا سرانجام پیرِ خردمندی راز اکسیر حیات را بر او می‌گشاید: این افسانه یک تمثیل است؛ در پیِ دارو مباش، «کوه‌ها» همانا مردان خردمندند، «گیاهان» را بگیر همان کتاب‌های ایشان، و «مرگ» چیزی جز نادانی نیست، و «حیات» و «زنده‌شدن» نیز همان آگاهی و خرد است، یعنی آن اکسیر حیات همان دانشی‌ست که حکیمانِ خردمند در سخن و کتاب‌هایشان ثبت کرده‌اند.

در بازگشت از سفر هند است که کتابِ کلّیله و دمنه را برای زبان فارسی هدیه می‌آورد، و در «کتابِ برزویه‌ی طبیب» جست‌وجوهای فلسفی‌اش و سرنوشتِ روحیِ خودش را (فعل به مضمون و با اندکی تلخیص) چنین شرح می‌دهد:

چون در هند سخنِ آن پیر شنیدم، تأمل کردم. دیدم هیچ طبیبی نمی‌تواند جسمِ انسان را سلامتِ ابدی ببخشد، پس طبابت پیش چشم خوار شد و در پیِ معنای زندگی و خوشبختی و حقیقتِ برآمدنِ چندان که سال‌ها در میان اصحاب حکمت و ادیان جست‌وجو کردم. و حیران بماندم میان آن‌ها، بدیدم «اگر در حیرت روزگار گذرانم» فرصتِ عمر از دست برود و «ناساخته رحلت باید کرد»، چون مجادله‌ی پیروانِ طریقت‌ها و ستیزشان را می‌دیدم سرگشته بودم. روزی آخر با خود گفتم ای دل! دریغا که اگر در این وادیِ حیرت بمانی به هیچ منزل نرسی، و «راهِ مخوفست و رفیقان ناموافق و رحلت نزدیک و هنگام حرکت نامعلوم»، یعنی مرگ بیاید و از هدف بازمانده باشی «چنانکه هردو جهان

از دست بشود». پس آن وقت دانستم بایستی جوهرِ طریقت‌ها و حکمت‌ها را اختیار کنم: از خشم دوری جویم. قتلِ نفس نباید کرد. دزدی و خیانت و شهوتِ نکوهیده است. دروغ نباید گفت. آخدی را رنج و عذاب نرسانم. فحش و بهتان روا ندارم. بد کسی را نخواهم. از صحبتِ بدطینتان دوری کنم... و آخر سر «چون فکر من بر این جمله به کارهای دنیا محیط گشت، بشناختم که آدمی شریف‌تر خلاق و عزیزتر موجودات است، و قدرِ ایامِ عمرِ خویش نمی‌داند»...



خواننده ممکن است خواندنِ این کتاب‌ها را به امید یافتنِ پاسخ‌های روشن آغاز کند؛ پاسخی برای مسئله‌ی تنهایی‌اش، چرایی مرگ، منشأ ملال و دلزدگی، یا اینکه دوستی‌ها چرا ناپایدارند و مبهم، یا به دنبالِ راهِ برون‌رفتی از تنگناهای اخلاقی باشد که هر روز لحظاتی با آن‌ها روبرو می‌شود و... اندیشیدن به همین‌ها فلسفه را و بخشی از ادبیات را پدید آورده است؛ اما انتظار اینکه کتابی یا کسی در چند صفحه یا فلان تعداد نکته به ما بگوید چطور زندگی کنیم و چگونه خوشبخت شویم، در واقع یک جور انکارِ مسئولیتِ شخصیِ انسان است. پاسخی قطعی و ابدی که مناسب حال همه‌کس باشد وجود ندارد. کتاب‌هایی که چنین مدعاهایی دارند فریبکارند. کتاب‌های این مجموعه نسخه نمی‌پیچند و سیاهه‌ای از اعمال نیک و بد پیش روی شما نمی‌گذارند؛ بلکه می‌خواهند به فهمِ بهترِ زندگی و پرسش‌ها و تجربه‌هایمان کمک کنند؛ چراغی بی‌فروزند تا در این اتاق تاریکِ زندگی و در لحظاتِ دشوار، درکمان از پرسش‌های بی‌پایان انسانی روشن‌تر شود؛ بدانیم فیلسوفان و حکیمانِ جهان به این پرسش‌ها چطور فکر کرده‌اند؛ تا با فهمِ دقیق‌تر و دیدِ بازتر در زندگی‌مان تصمیم بگیریم؛ مسئولیتِ تصمیم‌مان را شجاعانه برعهده بگیریم و با عواقبِ تصمیم‌هایمان آگاهانه روبرو شویم.